چکیده

تحلیل عناصر داستانی، یکی از روش هایی است که ارزش واقعی آثار داستانی را نشان می دهد.این عناصر که یک مجموعه را تشکیل می دهند هماهنگی آنها با هم بیان گر توانایی نویسنده می باشد. «موسم الهجرت الی الشمال» رمانی است از «طیّب صالح»، که نخستین بار در سال ۱۹٦٦ به زبان عربی منتشر شد. این رمان تاکنون به زبان های زیادی ترجمه شده است، از آن جایی که تا کنون در مورد آثار این نویسندهٔ سودانی بررسی‌های مبسوط و جامعی صورت نگرفته است ، از این رو نگارنده در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی به بررسی عناصر داستان « موسم الهجرت الی الشمال » که یکی از پر طرفدارترین آثار طیب صالح می باشد ، می پردازد. در این پژوهش از ترجمهٔ « مهدی غبرایی» با عنوان « فصل مهاجرت به شمال» استفاده شده است. در این رمان به طور کلی مهاجرت، مفهومی نقش بسته بر کل داستان است و نشانه شناسی خاصی در او هست. همان طور که از عنوان آن نیز بر می آید؛ موضوع این رمان، مسألهٔ «شرق و غرب» یا «جنوب و شمال» و رابطهٔ پارادوکسیکال آن دو است اما از سوی دیگر نیز شیفتگی دوجانبهٔ مبهمی نیز بین آن دو برقرار است . این اثر، داستانی است اجتماعی که از شخصیت های معدودی برخوردار است. نویسنده در پرداختن به شخصیت ها از دو روش مستقیم و غیر مستقیم استفاده کرده است. او همچنین در تحلیل شخصیت ها، بیشتر به توصیف ظاهرو اعمال آن ها می پردازد. حوادث در این داستان ساده و قابل فهم است و آن را به روش زاویهٔ دید درونی بیان می کند و عنصر پیرنگ را به شکل ساده و مختصری به کار برده است و درون مایهٔ داستانش نیز، بیشتر مسائل اجتماعی و فرهنگی است. عنصر گفتگو، با ذهنیت شخصیت های داستانی، منطبق است و در غالب موارد از گفتگوهای درونی استفاده شده است.

کلید واژه : داستان ، عناصرداستان، فصل مهاجرت به شمال، طیب صالح